

بررسی تحلیلی خرافات در فرهنگ مهدویت با رویکرد ایجابی «انتظار عقلانی»

فاضل فاضلی داود^۱

چکیده

باور به منجی و فرهنگ مهدویت، یکی از پویاترین و امیدبخش‌ترین ارکان اندیشه شیعی است که در طول تاریخ، موتور محرکه جوامع اسلامی برای ظلم‌ستیزی و کمال‌جویی بوده است. پژوهش حاضر، با هدف تحلیل خرافات و پیرایه‌های راه‌یافته به فرهنگ مهدویت و تبیین راهبردهای مقابله ایجابی با آن‌ها، با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش آن است که چگونه می‌توان ضمن شناسایی زمینه‌های شکل‌گیری خرافه‌گرایی در حوزه مهدویت، از تقلیل این فرهنگ به آسیب‌شناسی سلبی پرهیز و الگوی «انتظار عقلانی» را تبیین کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پدیده‌هایی همچون توقیت، ملاقات‌گرایی افراطی، تقلیل مهدویت به مناسک و کنش‌های فردی و پیروی از مدعیان دروغین؛ بیش از هر چیز از عواملی مانند ناآگاهی، غلبه احساسات بر تعقل، فهم نادرست نصوص دینی و سوء استفاده سودجویان ناشی می‌شوند. در برابر این آسیب‌ها، انتظار عقلانی به عنوان رویکردهی ایجابی، بر مؤلفه‌هایی همچون خردورزی در فهم آموزه‌های مهدوی، التزام به مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تقویت رویکرد اجتماعی و حکومتی فقه و مشارکت فعال در زمینه‌سازی برای تحقق تمدن جدید اسلامی استوار است. بر اساس نتایج تحقیق، صیانت از فرهنگ مهدویت، مستلزم نقد مستمر خرافات، تقویت مرجعیت علمی و دینی، ارتقای سواد مهدوی و تربیت انسان منتظر عقل‌گرا، مسئول و جامعه‌ساز است.

واژگان کلیدی: مهدویت، خرافات، انتظار عقلانی، مدعیان دروغین، آسیب‌شناسی دینی، توقیت.

۱. عضو گروه معارف اسلامی و حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. f.fazeli4336@iaui.ir

اندیشه مهدویت و انتظار موعود، نقطه اوج فلسفه تاریخ از نظر اسلام و شیعه است. این اندیشه، نه باوری صرفاً کلامی، بلکه نظامی معنایی است که به زندگی فردی و اجتماعی انسان هدف می‌بخشد.^۱ با این حال، هر حقیقت سترگی، به همان میزان که بر هدایت بشر مؤثر است، در صورت تحریف، می‌تواند منشأ انحرافات جبران‌ناپذیری شود. در طول تاریخ، فرهنگ مهدویت به دلیل جذابیت‌های فطری و ظرفیت‌های بالای عاطفی و اجتماعی، همواره مورد طمع شیادان و بستر مناسبی برای رشد خرافات بوده است. مقاله حاضر بر آن است تا نشان دهد که راه مقابله با این خرافات، صرفاً نفی آن‌ها نیست، بلکه ایجاد سپری محافظتی از طریق تبیین «انتظار عقلانی» است؛ انتظاری که بر شعور، آگاهی، تحرک و خردورزی مبتنی است.

مسئله اصلی این پژوهش، چالش تقابل میان «مهدویت عاطفی - خرافی» و «مهدویت معرفتی - عقلانی» است. نفوذ خرافات در آموزه مهدویت، دارای پیامدهای مخربی همچون انفعال اجتماعی، یأس پس از عدم تحقق وعده‌های دروغین، و وهن مذهب در نگاه نخبگان و جامعه جهانی است. پرسش اساسی این است که خرافات چگونه و از چه مجاری وارد فرهنگ مهدویت شده‌اند و رویکرد ایجابی «انتظار عقلانی» چه مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی برای مقابله با این آسیب‌ها ارائه می‌کند؟

در زمینه پیرامون آسیب‌شناسی مهدویت، اندیشمندان اسلامی آثار گران‌سنگی نگاشته‌اند. مطهری (۱۳۷۳)، در کتاب «قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ»، به تفاوت انتظار ویرانگر و انتظار سازنده پرداخته است. صدر (۱۳۷۸)، در «بحث حول المهدی»، رویکردی کاملاً تحلیلی و عقلی به مسئله طول عمر و قیام حضرت داشته است. دانش (۱۳۹۸)، در کتاب «راهکارهای مقابله با خرافات در فرهنگ عمومی»، به تحلیل ریشه‌های روان‌شناختی و اجتماعی

۱. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۴۵.

خرافات پرداخته و راهکارهایی برای ارتقای تفکر عقلانی در جامعه ارائه کرده است. این اثر، به صورت خاص به مهدویت نمی‌پردازد؛ اما چارچوبی کلی برای فهم پدیده خرافه ارائه می‌کند. جباری (۱۳۹۹)، در کتاب «مهدویت؛ ریشه‌ها، انحرافات و راهکارها»، به صورت جامع به بررسی مباحث مهدویت پرداخته و بخشی از کتاب را به ریشه‌یابی و معرفی انحرافات رایج اختصاص داده است. وی بر لزوم بازگشت به منابع اصیل و فهم صحیح روایات تأکید می‌کند. ربانی (۱۴۰۰)، در کتاب «انتظار عقلانی؛ راهی به سوی جامعه مهدوی»، به تفکیک میان انواع انتظار پرداخته و با استناد به منابع دینی، چارچوبی عملیاتی برای انتظار عقلانی مبتنی بر بصیرت، علم و عمل ارائه می‌کند. وی انتظار عقلانی را کلید اصلی مقابله با انحرافات و زمینه‌ساز تحقق جامعه مهدوی می‌داند. با وجود این، وجه تمایز و ضرورت نگارش این مقاله، تمرکز بر «رویکرد ایجابی» است؛ بدین معنا که به جای توقف در بررسی آسیب‌ها، مدل جایگزین و سازنده، یعنی «انتظار عقلانی» را با ادبیاتی جدید و متناسب با نیازهای جامعه امروز تبیین می‌کند.

مفهوم‌شناسی

خرافات؛ واژه خُرافات، جمع خُرافه، به معنای سخن دروغ اما با نمک (مستملح)^۱، است؛ و به معنای سخنان بیهوده و نامربوط^۲ نیز می‌باشد. خرافه در اصطلاح به چند معناست: ۱. اعتقاد به این که برخی کارها یا برخی کلمات یا اعداد یا بعضی از مدرکات حسی، مایه خوش‌بختی یا بدبختی می‌شوند؛ ۲. هرگونه اعتقاد باطل یا ضعیف؛ ۳. هرگونه آیین یا مذهبی که بی‌اندازه و نسنجیده مورد مبالغه قرار گرفته باشد.^۴

علامه طباطبایی، باورهای بی‌اساس را خرافه می‌داند و می‌نویسد: «اعتقاد به آنچه علم به

۱. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۲۵۲.

۲. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۶۶.

۳. معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۴۰۵.

۴. جمیل صلیبا، واژه‌نامه فلسفی و علوم اجتماعی ترجمه: کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، ص ۲۰۰.

حقیقت آن نداریم و نمی‌دانیم خیر است یا شر، جزو خرافات است.^۱ در معانی اصطلاحی خرافات باید گفت که عموم تعاریف ارائه شده، در حد و بسط معنای لغوی آن بوده است. برخی خرافات را عبارت از عقاید باطل و بی‌اساس عنوان کرده‌اند که به کلی خلاف منطق و واقعیات است.^۲ پس می‌توان گفت خرافات مجموعه‌ای از باورهای باطل، بی‌اساس و رفتارهای غلط مبتنی بر جهل و بر خلاف منطق است.

مهدویت در اصطلاح: «مجموعه باورها، آموزه‌ها و انتظاراتی است که به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت، ظهور، عدالت جهانی و نقش ایشان در تحقق وعده الهی مربوط می‌شود.»^۳ این مفهوم در شیعه امامیه جایگاهی محوری دارد و با مسئله امامت، آخرالزمان، عدالت خواهی و امید تاریخی پیوند خورده است.

انتظار عقلانی: نوعی انتظار آگاهانه، فعال و مسئولانه است که بر معرفت صحیح، التزام اخلاقی، اصلاح فرد و جامعه و آمادگی برای یاری حق استوار است. در این نگاه انتظار با رخوت، انفعال و دل‌مشغولی‌های غیرواقع‌بینانه تفاوت دارد.^۴

تحلیل ریشه‌ها و بسترهای شکل‌گیری خرافات در فرهنگ مهدویت

برای درمان هر بیماری، ابتدا باید ریشه‌های آن بیماری را شناخت. نفوذ بسترهای شکل‌گیری خرافات در مهدویت در چند عامل عمده ریشه دارد:

۱. ضعف معرفت دینی

ناآشنایی با مبانی کلامی شیعه و ضعف در روش‌شناسی فهم احادیث، باعث می‌شود عوام، هر روایتی، حتی ضعیف یا مجعول را بپذیرند. زمانی که شناخت مردم از مهدویت سطحی و احساسی

۱. پاکدامن، جامعه در قبال خرافات، ص ۳۶.

۲. نوری، اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، ص ۴۸۰.

۳. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۳-۲۸.

۴. مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۵-۷۲.

باشد، پذیرش ادعاهای بی‌اساس آسان می‌شود. بسیاری از خرافات، نه از دشمنی با دین، بلکه از ناآگاهی دینی و نبود آموزش صحیح برخاسته‌اند. ضعف معرفت دینی، ریشه اصلی «ساده‌انگاری» در پذیرش ادعاهاست. به زعم عالمان، دینی فقدان «عقلانیت» در آموزه‌های مهدوی، راه را برای جریان‌های انحرافی باز می‌کند.^۱

۲. نقل‌گرایی بی‌ضابطه

برخی از روایت‌ها بدون بررسی سند و دلالت، به صورت خام در فضای عمومی بازنشر می‌شوند. این امر شکل‌گیری انتظارات غیرواقعی یا تفسیرهای عجیب از نشانه‌های ظهور را موجب می‌گردد.^۲ نقل‌گرایی بی‌ضابطه این آسیب که از آن به «نقل‌گرایی بدون سند» یاد می‌شود؛ یکی از چالش‌های جدی در فضای مجازی و کتاب‌های عامیانه است.^۳

۳. بحران‌های اجتماعی و روانی

در دوران فشارهای اقتصادی و سیاسی، تمایل روانی به فرار از واقعیت و پناه بردن به معجزات زودرس افزایش می‌یابد. این نیاز کاذب، بازار مدعیان ارتباط با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را داغ می‌کند.^۴ مهدویت به سبب نوع نگرش به آینده و امیدبخشی، همواره درمانی است بر دردهای انسان‌های ستم‌دیده و فرودست؛ ولی گاهی ملاحظه این کارکرد با افراط‌هایی روبه‌رو بوده است؛ به ویژه دوره‌هایی که برخی عوامل وضعیت افراد را در عرصه اجتماعی، اقتصادی و روانی دچار آشفتگی کرده است. مردم در این آشفتگی، در پی پناه‌گاهی هستند که در آن، به آرامش برسند. از این رو، گاهی هر دارویی را بر درد خویش می‌آزمایند، بدون آن‌که بیندیشند آنچه درمان می‌پنداشته‌اند، خود دردی بر دردهای آن‌ها است. برخی انسان‌های نابکار با سوءاستفاده از این حالت افراد و

۱. سلیمیان، درس‌نامه مهدویت، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۸.

۲. طبسی، نشانه‌های ظهور در ترازوی نقد، ص ۱۳-۳۷.

۳. کارگر، آسیب‌شناسی جریان‌های نوظهور مهدویت، ص ۹۲ (فصل مربوط به روش‌های تمسک به روایات).

۴. جعفری، آسیب‌شناسی باورهای دینی، ص ۱۱۲.

جایگاه مهدویت در نظر آنان؛ اهداف شیطننت آمیز خود را پی می‌گیرند و با القای برخی ذکرها و وردها و نقل برخی حکایت‌های ساختگی در پی جذب افراد آماده هستند.

۴. سوء استفاده سودجویانه

متأسفانه گاهی برای جذب مخاطب یا تحریک عواطف، از داستان‌های بی‌اساس، خواب‌ها و مکاشفات اثبات‌ناپذیر در منابر استفاده می‌شود که این داستان‌ها و خواب‌ها، به مرور به باورهای قطعی تبدیل می‌گردند. برخی افراد با بهره‌برداری از عواطف مذهبی، نذرها، مراسم، مکاشفات ساختگی یا ادعاهای خاص به دنبال کسب نفوذ، قدرت یا منافع مالی هستند. سوءاستفاده سودجویانه استفاده ابزاری از «مکاشفات»، «خواب‌دیدن» و «ارتباط با امام» برای کسب قدرت و ثروت، از قدیمی‌ترین آسیب‌های این حوزه است.^۱

۵. رسانه و بازنمایی غیرعلمی

در برخی موارد، رسانه‌های غیرمسئول یا فضای مجازی با بازنشر محتوای هیجانی و غیرمستند؛ خرافه را تقویت و مرز میان معارف اصیل و جعلی را مخدوش می‌کنند. در دنیای مدرن امروز رسانه‌ها ابزاری قدرتمند برای رسیدن به اهداف جهانی محسوب می‌شوند. رسانه تصویری که پیام را بهتر و با کیفیت‌تر می‌تواند انتقال بدهد، بیش‌تر مورد توجه بوده است و مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آن‌جا که کشورهای غربی، بهتر و بیش‌تر تسلط رسانه‌ای دارند؛ سال‌هاست در سوژه‌های فیلم هالیوود که مخاطبان جهانی دارد، به موضوعاتی همچون آخرالزمان‌گرایی، پایان دنیا، جنگ ملت‌ها و مهدویت ستیزی پرداخته‌اند که هدف از این عملکرد رسانه‌ای، جز سلطه‌گری و نشان دادن ابر قدرت بودن خود به جهانیان چیز دیگر نمی‌تواند باشد.

مصادیق بارز خرافات در مهدویت

۱. توقیت (تعیین زمان ظهور): یکی از خطرناک‌ترین انحرافات، تعیین زمان برای ظهور

۱. مرکز تخصصی مهدویت، درس‌نامه نقد جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۲۰۳.

است که در احادیث با عبارت «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ» (تعیین کنندگان وقت دروغ می گویند) به شدت رد شده است.^۱ توقیت باعث امید کاذب و سپس یأس و سرخوردگی در مؤمنان می شود. در مورد نشانه های آخرالزمان و ظهور سه جریان وجود دارد: ۱. جریان افراط: این جریان عبارت است از توقیت و تعیین وقت مشخص برای ظهور و نیز انطباق قطعی پاره ای از نشانه های عمومی و یا نشانه های حتمی با مصادیق خاص. بدون شک توقیت مردود است و روایات اهل بیت علیهم السلام صراحتاً از آن نهی کرده اند و حتی از برخی روایات چنین استفاده می شود که توقیت از عوامل تاخیر در ظهور خواهد بود. اهل بیت علیهم السلام به ما توصیه کرده اند که در امر ظهور شتابزدگی نکنیم و تسلیم تقدیر و تصمیم الهی باشیم و البته توقیت می تواند منشأ زیان های فراوانی باشد، از جمله بی اعتقاد شدن عده ای نسبت به اصل مهدویت شود. ب. جریان تفریط: این جریان به رغم اعتقاد به اصل مهدویت، یا به کلی در باره موضوع مهدویت و ظهور و نشانه های ظهور حرفی نمی زند و بعضاً دیده خرافات به حجم عظیم روایات دارد؛ و یا صرفاً به شکلی تشریفاتی و صرفاً مناسبتی به آن می پردازد. در واقع، مشکل اصلی این جریان، آن است که به غیبت امام معصوم علیه السلام به عنوان ضایعه و مصیبتی بس بزرگ و جانکاه برای بشر و شیعه نمی نگرد و تصورش آن است که به رغم غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له، تقریباً همه چیز سر جای خودش است و ما مشکلی جدی نداریم و همه مشکلات مثلاً به عدم آگاهی و فقدان تلاش بشر و نبود مبارزه و انقلابی گری بر می گردد و اگر بتوان این نقایص را برطرف کرد، قادر خواهیم بود، مدینه ای فاضله بسازیم و تمدن تراز اسلام و عدالت کامل اسلامی را محقق کنیم؛ در حالی که این گمان و این نحوه زمان شناسی، بر خلاف آموزه های قرانی و روایی و واقعیات آشکار تاریخی و معاصر است. غیبت، بزرگ ترین مصیبت برای بشر است که جای دارد اهل فهم و خرد و ایمان، روز و شب برای آن محزون باشند و مویه کنند. شیعه باید در عصر غیبت، زمزمه گر چنین عباراتی باشد: «اللَّهُمَّ إِنَّا

۱. طوسی، الغیبه، ص ۴۲۵.

نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْنَا وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بَيْنَا وَتَظَاهُرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَإِمَامٍ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ» ج. جریان اعتدال: این جریان ضمن آن که از توقیت قویا پرهیز می‌کند و شتابزدگی به خرج نمی‌دهد و در عین بی‌قراری برای غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با رضا و قضای الهی در تعجیل یا تاخیر در ظهور سر ناسازگاری ندارد؛ در عین حال، پیوسته در باره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حرف می‌زند و به‌ویژه برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا می‌کند و نشانه‌های ظهور او را در متون روایی دنبال می‌کند و حوادث و رویدادهای زمانه را که می‌تواند با ظهور ارتباطی هر چند احتمالی داشته باشد، رصد می‌کند و بر این باور است که آنچه اهل بیت علیهم السلام در باره نشانه‌های آخرالزمان و ظهور بیان داشته‌اند، از باب تفنن و قصه‌پردازی نبوده است، بلکه به خاطر اهدافی خاص، از جمله ایجاد و زنده نگه داشتن حالت امید و انتظار بوده است. صرف حرف زدن از ظهور و نشانه‌های آن بدون تطبیق قطعی، نه تنها به معنای توقیت نیست، بلکه از برخی روایات استفاده می‌شود که تفال به قرب ظهور و نزدیک دانستن آن — بدون تعیین وقتی مشخص — امری مطلوب و مورد سفارش است. در دعای عهد در باره ظهور چنین رهنمود داده شده است که «یرونه بعیدا و نریه قریبا»؛ یعنی دشمنان، ظهور را دور می‌بینند؛ اما ما آن را نزدیک می‌دانیم. در روایتی این تعبیر وجود دارد که «توقعوا الفرج صباحا و مساء»؛ یعنی صبح و شام منتظر ظهور باشید.

۲. ملاقات‌گرایی: عدم معرفت به حقیقت وجود امام و چگونگی ارتباط صحیح با ایشان و اساساً عدم درک دلیل ارتباط و نیاز انسان به امام، باعث شده است تا فرصتی مناسب برای دشمنان الهی و معاندان و منکران مهدویت فراهم آید تا نهایت استفاده را از آن ببرند و به فریب اذهان عمومی بپردازند و در این میان، شاید مناسب‌ترین گزینه، گرایش فطری و عشق مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. لذا دشمن برای خاموش کردن این عشق و خنثا کردن کارکردهای فردی و اجتماعی انتظار کوشیده است تا مشتاقان را به اموری ظاهری، چون اصرار بر ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و رؤیت بصری ایشان در خواب و بیداری مشغول کند و در سایه غفلت مشتاقان و

منتظران، تیشه بر ریشه دین داری و مهدی باوری بزند. اگرچه امکان تشریف به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اوحدی از مؤمنان وجود دارد، تبدیل کردن «ملاقات» به هدف نهایی و دایر کردن دکان های معنویت به ادعای ارتباط مستمر با حضرت، انحراف از مسیر اصیل غیبت کبراست. در توقیع شریف به علی بن محمد سمری، ادعای مشاهده (به معنای ارتباط مستمر و نیابت) صریحاً تکذیب شده است.^۱

انتظار عقلانی

«انتظار عقلانی» بدان معناست که انسان منتظر خود را برای حضور در جبهه حق از این طریق آماده کند: تهذیب نفس، تحصیل معرفت، عدالت خواهی و مسئولیت پذیری اجتماعی. برای انتظار عقلانی می توان به مفهوم آمادگی و تهذیب نفس از منظر قرآن، سوره یوسف^۲ اشاره کرد که به آمادگی حضرت یوسف علیه السلام برای حکومت اشاره دارد: «و این گونه ما به یوسف در سرزمین [مصر] قدرت دادیم، که هر جا می خواست در آن منزل می گزید [و تصرف می کرد] ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم [و شایسته بدانیم] می بخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم!؛ یا آیاتی که بر تزکیه نفس و تقوا تأکید دارند.^۳ و همچنین در نهج البلاغه، به خطبه ها و نامه هایی می توان اشاره کرد که به اهمیت آمادگی لشکریان، به ضرورت تهذیب اخلاقی فرماندهان و آمادگی روحی برای دفاع از حق اشاره دارند.^۴ در باب تحصیل معرفت، می توان اشاره کرد به آیاتی از قرآن کریم که بر تفکر، تعقل و طلب علم تأکید می کنند؛^۵ یا آیاتی که به مسئولیت اجتماعی مسلمانان

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶.

۲. وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَ لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (یوسف: ۵۶).

۳. «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» شمس: ۷-۱۰.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ (درباره آمادگی در برابر دشمن).

۵. «أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» زمر: ۹.

در قبال جامعه اشاره می‌کند؛ مثلاً: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ [چه این‌که] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، [به چنین برنامه و آیین درخشانی] ایمان آورند؛ برای آن‌ها بهتر است! [ولی تنها] عده کمی از آن‌ها با ایمانند، و بیش‌تر آن‌ها فاسقند [و خارج از اطاعت پروردگار]».^۱

راهکارهای مقابله با خرافات و انحراف‌ها

مقابله با خرافات و انحراف‌های مهدوی، بیش از هر چیز به آموزش صحیح، اصلاح برداشت‌های نادرست، پالایش منابع از جعل و تحریف، و پاسخ‌گویی تخصصی به شبهات نیازمند است. در پژوهش‌های مربوط به آسیب‌شناسی فرهنگ مهدویت، تأکید شده است که غفلت از آسیب‌ها می‌تواند به سستی اعتقاد، به‌ویژه در میان جوانان، بینجامد. از این‌رو، شناخت و نقد آسیب‌ها، خود بخشی از راهکار است. همچنین برداشت‌های غلط از مفهوم «انتظار»، از جمله آسیب‌های مهم فرهنگ مهدوی دانسته شده و بر این نکته تأکید گردیده است که انتظار نباید به بی‌عملی و توجیه انفعال اجتماعی بینجامد. از سوی دیگر، سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) آن‌گونه است که ابتدا تلاش می‌کنند تا از سقوط افراد در ورطه شبهات جلوگیری کنند. بدین منظور از روش‌هایی مانند دعوت به تقوای پیشگی، توکل، تعقل، ترک مجالست با اهل معاصی و اشرار، شناخت جاهلان عالم نما، تبیین و حفظ مرزهای دوستی و دشمنی، مراجعه به امام، تفقه در دین، دشمن‌شناسی، مجالست با علما، توقف در مقابل شبهه و عرضه درست دین و تبیین معارف، پیش از بروز شبهه بهره می‌برند. با استفاده درست و دقیق از همان روش‌های دفع شبهه، اغلب راه‌های بروز شبهه بسته می‌شود؛ اما از آن‌جا که معمولاً در استفاده از آن روش‌ها و عملیاتی کردن آن‌ها کاستی‌هایی به وجود خواهد آمد، ضرورت دارد به بیان راه‌های رفع شبهه

۱. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» آل عمران: ۱۱۰.

پرداخته شود؛ یعنی باید روشن گردد که اگر شبهه شکل گرفت، چه باید کرد و چه روش‌ها و مسیرهایی برای رفع آن وجود دارد. بنابراین، در عصر رسانه نیز استفاده از فضای مجازی برای نشر معارف اصیل و مقابله فعال با شبهه‌افکنی، به عنوان راهبرد ضروری مطرح شده است.^۱

۱. بازگشت به منابع اصیل

آموزش مهدویت باید بر قرآن، روایات معتبر، و آثار علمی استوار باشد، نه بر نقل‌های عامیانه و فضای مجازی.

بی تردید، عقیده به ظهور منجی و بشارت به قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان، یکی از مفاهیم اصیل اسلامی است که در کتاب و سنت متواتر و قطعی ریشه دارد و سوء استفاده از آن، نه تنها به معنای سستی این عقیده و باور نیست، بلکه به عکس، نشانه روشنی بر اصالت آن شمرده می‌شود؛ زیرا باطل، تا با حق آمیخته نگردد، هوادار پیدا نمی‌کند. از این رو، گمراهان، همواره از مفاهیم اصیل برای گم راه کردن دیگران استفاده می‌کنند. مقوله منجی و مهدویت نیز از این اصل کلی، مستثنا نیست و سوء استفاده از این مفهوم ریشه دار، شبیه سوء استفاده از اصل نبوت است؛ چنان که مدعیان دروغین نبوت با بهره‌گیری از این مفهوم اصیل، توانسته‌اند عده‌ای را گمراه کنند و آیین‌های جدیدی را پدید آورند.^۲

۲. تقویت سواد دینی و رسانه‌ای

در جهان امروز، هر ادعای مذهبی باید با دقت بررسی شود و نباید آن را بدون ارزیابی پذیرفت. پژوهش‌های مربوط به آسیب‌شناسی فرهنگ مهدویت نشان می‌دهد که غفلت از آسیب‌ها می‌تواند به سستی اعتقاد، به ویژه در نسل جوان، منجر شود. بنابراین، شناخت آسیب‌ها و تحلیل

۱. جعفری، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، ص ۴۵-۷۴.

۲. طباطبایی، دانشنامه امام مهدی، ج ۴، ص ۷.

آن‌ها، خود بخشی از راهکار مقابله است.^۱ جامعه دینی باید بیاموزد که هر ادعای مذهبی را بدون بررسی نپذیرد. سواد رسانه‌ای در عصر اطلاعات، بخشی از دینداری مسئولانه است. تقویت سواد دینی و رسانه‌ای زمینه ساز ظهور منجی باید در زمینه ایجاد تغییرات مورد نظر اجتماعی از ویژگی‌های خاصی بهره مند باشد، و ترویج صحیح فرهنگ مهدویت، یکی از اساسی‌ترین کارکردهای رسانه زمینه ساز ظهور می‌باشد.

۳. آموزش تفکر انتقادی

عقل در دین، رقیب ایمان نیست، بلکه حافظ آن است. هر جا عقلانیت تضعیف شود، خرافه، جعل و ادعاهای بی‌پایه فرصت گسترش می‌یابند. از این رو، تقویت عقلانیت در کنار معنویت، یکی از ضرورت‌های اساسی در حوزه مهدویت است.^۲ عقل در دین، ابزار حذف ایمان نیست، بلکه ضامن سلامت ایمان است. نهادهای آموزشی و دینی باید عقلانیت را در کنار معنویت تقویت کنند.

۴. مقابله با مدعیان دروغین

نظام دینی و فرهنگی، باید نسبت به مدعیان نیابت، مکاشفه، یا مهدویت جعلی حساس، شفاف و مستند عمل کند. مدعیان دروغین مهدویت و اعتقاد به آن، یکی از مهم‌ترین مصادیق اعتقادی مسلمانان به ویژه شیعیان می‌باشد. به عبارت دیگر، همه مسلمانان معتقدند که رسول اسلام ﷺ فرمود: «مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد. وی همانم من و اخلاقش همانند اخلاق من است. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند چنان‌که از ظلم و جور پر شده باشد.»^۳ این اعتقاد به صورت کلی در ادیان توحیدی و حتی مسلک‌های غیرتوحیدی دیده می‌شود و بی‌تردید

۱. نعمانی الغیبة، ص ۲۰۰.

۲. همان.

۳. اربلی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۴۷۱.

باور تشیع در این زمینه از چنان شفافیتی برخوردار است که هیچ راه شکی برای محققان و عموم مردم نخواهد ماند.

همین گستره باور به مهدویت، باعث شده است تا آسیب‌های جدی در عرصه مهدویت بروز یابد که از این جمله می‌توان وجود متمه‌دیان و مهدیان دروغین را عنوان کرده که آن‌ها در آموزه‌ها و مصداق امام، حق تحریف ایجاد کردند. در این میان، عالمان دینی به این ادعاها واکنش نشان دادند و نیز برخی از مکتوبات به بررسی کلی این جریان‌ها و گونه‌شناسی آن پرداختند.^۱

۵. بازتعریف انتظار در افکار عمومی

باید انتظار را از حالت انفعالی و رمزآلود، به معنای مسئولیت‌محور و تمدن‌ساز بازشناساند. بازتعریف مفهوم انتظار نباید به انفعال، رهاشدگی یا بی‌تفاوتی اجتماعی تعبیر شود، بلکه باید مفهومی مسئولیت‌محور، اصلاح‌گر و تمدن‌ساز بازشناسی شود. همچنین، با توجه به گسترش فضای مجازی، باید از همین بستر برای ترویج معارف اصیل و پاسخ‌گویی تخصصی به شبهات بهره گرفت.^۲

۶. انتظار و عمل صالح

در منطق دینی، امید راستین، از عمل جدا نیست. انتظار صادقانه باید به اصلاح فردی، رعایت اخلاق، کمک به مظلوم و پاسداشت حق بینجامد. به عبارتی، جدایی ناپذیری امید از عمل، در

۱. مانند «متمه‌دیان و مدعیان مهدویت»، اثر محمدرضا نصوری؛ انتظار پیاپی و «پیچک انحراف»، اثر جواد اسحاقیان درجه؛ «قبیله تزویر»، اثر امیرمحسن عرفان؛ «مقایسه نقش موعودباوری در ایجاد فرقه‌های نو در اسلام و مسیحیت در قرن اخیر»، مهرباب صادق‌نیا و رضا کاظمی راد؛ «بررسی تاثیر شخصیت مدعیان در بروز ادعاهای مهدوی»، مرتضی‌عبدی چاری و محمود ملکی راد، فصلنامه مشرق موعود شماره پاییز.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۰.

آیاتی که مقبولیت ایمان را همراه با عمل صالح ذکر کرده‌اند؛^۱ ملاحظه می‌شود. همچنین آیاتی که وعده پاداش الهی را به ایمان و عمل مشروط دانسته و بر خودسازی، دوری از گناه، و اخلاق حسنه تأکید فراوانی دارند.^۲ سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام که اوج اخلاق حسنه و خودسازی بودند، گویای این نکته است. حدیث معروف «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»^۳؛ همچنین آیاتی که به دفاع از مظلوم و یاری رساندن به نیازمندان امر می‌کنند؛^۴ شاهد این ادعا هستند.

۷. انتظار و نقد خرافه

منتظر واقعی کسی است که به جای دل بستگی به نشانه‌های موهوم، به سنجه‌های عقل، قرآن و سنت معتبر تکیه می‌کند. چنین دیدگاهی، خرافه را نه حاشیه‌ای فرعی، بلکه تهدیدی جدی برای ایمان می‌داند؛ مانند آیاتی که پیروان خود را به تفکر و پیروی از آنچه نازل شده است (قرآن) و سنت پیامبر ﷺ دعوت می‌کنند.^۵ نقد خرافه و نشانه‌های موهوم، در قرآن به رد بت‌پرستی، فال‌گیری، سحر و جادو و سایر اشکال خرافه‌گرایی و تاریخ صدر اسلام و نیز مواردی

۱. «وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ» عصر: ۱-۳.

۲. «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يُعْطِيهِ يَا بُنَيَّ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿۱۱﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۲﴾ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي سَمَاءٍ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿۱۳﴾ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۱۴﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۱۵﴾ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصِصْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿۱۶﴾ لقمان: ۱۲-۱۹.

۳. «به راستی من مبعوث گردیدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم» (مجلسی، بحار، ج ۱۶، ص ۲۱۰).

۴. «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» نساء: ۷۵.

۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» همان، ۵۹.

که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام با رسوم جاهلی و خرافی مبارزه می‌کردند؛^۱ همه و همه گویای این نکته می‌باشد.

۴. انتظار و جامعه سازی

انتظار و جامعه سازی انتظار ایجابی، جامعه را به سوی عدالت، آگاهی، همبستگی و مقاومت سوق می‌دهد. در این دیدگاه، «منتظر بودن»، یعنی «ساختن»، نه «فقط چشم دوختن».^۲ امام شهید در مورد نقش سازنده انتظار در تحولات اجتماعی و سیاسی، و مفهوم «انسان ۲۵۰ ساله» اشاره می‌کنند که به تداوم مبارزه و سازندگی در طول تاریخ اشاره دارد.^۳ همچنین است آیاتی که بر تشکیل امت واحده، همبستگی، صبر و مقاومت در برابر دشمنان تأکید دارند.^۴ جامعه آرمانی و عدالت از دیدگاه قرآن عبارت است از: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾.^۵

۱. نقد باورهای خرافی و تبیین مبانی عقلانی و نقلی» (ر.ک: طباطبایی، تفسیر المیزان)

۲. ر.ک: موسوی خمینی، صحیفه امام (مجموعه آثار)، ج ۲۱، ص ۱۴ و ۱۷ (مفهوم جامعه سازی و انتظار ایجابی: اندیشه های امام خمینی)

۳. خامنه ای، انسان ۲۵۰ ساله، (انتظار).

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنَّا طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» صف: ۱۴.

۵. همانا کسانی که چون در زمین به آنان متمکن [و حکومت] دهیم، نماز را [با شرایطش] برپا می‌دارند و زکات [حق] فقیران را می‌پردازند و به کار شایسته وامی‌دارند و از کار ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها [به دست] خداست.

حج: ۴۱.

نتیجه‌گیری

اندیشه مهدویت و انتظار موعود، اوج فلسفه تاریخ از دیدگاه اسلام و شیعه است. این اندیشه، نه باوری صرفاً کلامی، بلکه نظامی معنایی است که به زندگی فردی و اجتماعی انسان هدف می‌بخشد. اندیشه مهدویت، قلب تپنده و چشم‌انداز روشن آینده در تفکر اسلامی است. نفوذ و رواج خرافاتی چون مدعیان ارتباط، تعیین وقت، تقلیل اهداف جهانی امام علیه السلام به حوائج شخصی، و انفعال توجیه‌شده تحت لوای انتظار، بزرگترین موانع در مسیر تمدن‌سازی اسلامی هستند. پژوهش حاضر نشان داد که مقابله با این انحرافات، با روش‌های صرفاً سلبی (رد و تکفیر) کافی نیست، بلکه نیازمند استقرار «نظریه انتظار عقلانی» هستیم. انتظار عقلانی، منتظر را از موجودی خیال‌پرداز و منفعل، به عنصری فعال، نقاد، متشرع و خردورز تبدیل می‌کند که به جای جست‌وجوی نشانه‌ها در خواب، به دنبال بسترسازی ظهور در بیداری و در کف میدان علم، اقتصاد، سیاست و فرهنگ است. صیانت از این آموزه، ضامن پویایی و اقتدار جامعه شیعی در عصر غیبت خواهد بود. نتیجه آن‌که، صیانت از فرهنگ مهدویت، تنها با پالایش مستمر آن از پیرایه‌ها و تبیین شاخصه‌های انسان منتظر عقل‌گرا محقق می‌گردد.

منابع

۱. قرآن کریم.
- نهیج البلاغه.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۲، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. ابراهیم پور، علی، *روش شناسی جریان شناسی*، طه، قم، ۱۳۹۹.
۴. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، ج ۲، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۴۰.
۵. پاکدامن، محمدحسن، *جامعه در قبال خرافات*، مرنديز، گناباد، ۱۳۷۸.
۶. جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی (عج) موجود موعود*، اسراء، قم، ۱۳۸۸.
۷. جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران*، نشر علم، تهران، ۱۳۸۷.
۸. جعفری، محمدصابر، *اندیشه مهدویت و آسیب ها*، بنیاد فرهنگی مهدوی، تهران، ۱۳۸۷.
۹. جعفری، سید محمد مهدی، *آسیب شناسی باورهای دینی*، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۰. جمیل صلیبا، *واژه نامه فلسفی و علوم اجتماعی*، ترجمه: کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، شرکت سهامی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۱۲. خمینی، روح الله، *صحیفه امام (مجموعه آثار)*، موسسه تنظیم نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۹.
۱۳. خامنه ای، سیدعلی، *انسان ۲۵۰ ساله*، صهبا، تهران، ۱۴۰۰.
۱۴. رحیم کارگر، *آسیب شناسی جریان های نوظهور مهدویت*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱.
۱۵. رضوانی، علی اصغر، *موعود شناسی و پاسخ به شبهات*، چ چهارم، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷.

۱۶. سلیمیان، خدامراد، **فرهنگ نامه مهدویت**، بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، تهران، ۱۳۸۸.
۱۷. صدر، سید محمدباقر، **بحث حول المهدی**، غدیر، قم، ۱۳۷۶.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، انتشارات الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
۲۰. طباطبایی، سید محمدکاظم، **دانشنامه امام مهدی بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ**، ج ۴، دارالحديث، قم، ۱۳۹۲.
۲۱. طبسی، نجم الدین، **نشانه های ظهور در ترازوی نقد**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۹.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، **الغیبه**، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، ج ۲، هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
۲۴. مطهری، مرتضی، **قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ**، صدرا، تهران، ۱۳۷۳.
۲۵. مطهری، **تفکر فلسفی غرب**، هماهنگ، قم، ۱۳۷۷.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۲.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، **جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن**، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۹۱.
۲۸. معین، محمد، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۱، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۲۹. مدرسی، سید محمد تقی، **من هدی القرآن**، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه**، صدوق، تهران، ۱۳۷۶.
۳۱. نوری، یحیی، **اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام**، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی، تهران، ۱۳۵۷.